

هشدار رهبر انقلاب به آمریکا:

## اگر جنگی راه بیندازید، جنگ منطقه‌ای خواهد بود

زمینه‌های مختلف، افزودند: چه کسی باور می‌کرد ملت ایران روزی به جایی برسد که آمریکایی‌ها از سلاح ساخت او کپی‌برداری کنند؟ اینها همه نتیجه اعتمادبه‌نفس و امید و بلندپروازی‌ای بود که امام خمینی به‌عنوان «مظهر امید و خودباوری»، در ملت ایجاد کرد و مردم را به تلاش و حرکت درآورد. ایشان با یادآوری وسوسه‌های شیاطین واقعا خبیث خارجی و داخلی مبنی بر اینکه «جوان ایرانی، امید و آینده ندارد»، گفتند: جوان ایرانی هم امید و هم همت دارد و آینده را هم - به کوری چشم شما- خواهد ساخت. رهبر انقلاب ۲۲ بهمن، سالروز پیروزی انقلاب و ۱۲ فروردین، روز استقرار جمهوری اسلامی با آرای ملت و همه پیشرفت‌های کشور را از نتایج روز مبارک ۱۲ بهمن ۵۷ دانستند و افزودند: برکت این روز عظیم به لطف پروردگار ادامه دارد. ایشان در بخش دیگری از سخنان‌شان با تأکید بر ماهیت آمریکایی و صهیونی «فته ۱۸ و ۱۹ دی»، اغتشاشگران را مرکب از «سردسته‌ها» و «پیاده‌نظام» دانستند و افزودند: سردسته‌ها که بسیاری از آنها دستگیر شده‌اند، همان‌گونه که اعتراف کرده‌اند، برای اقدامات خود پول گرفته و برای چگونگی حمله به مراکز و جمع‌کردن و به حرکت درآوردن جوانان آموزش دیده بودند؛ اما عده دیگری از اغتشاشگران، جوانان هیجانی بودند که خیلی با آنها مشکلی نداریم. رهبر انقلاب اسلامی حرف‌های رئیس‌جمهور آمریکا را نشان‌های آشکار از آمریکایی و صهیونیستی بودن فتنه اخیر خواندند و گفتند: او صریحا به اغتشاشگرانی که مردم ایران می‌خواند، می‌گفت «بروید جلو، من هم دارم می‌آیم»، البته از نظر آنها این چند هزار نفر اغتشاشگر، مردم ایران بودند اما میلیون‌ها نفری که ۲۲ دی در سراسر کشور اجتماع کردند، مردم ایران نیستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فکر و راه جدید جمهوری اسلامی و اصطکاک آن با منافع قلدرهای جهان را باعث استمرار دشمنی آنها برشمردن و گفتند: به‌همین‌دلیل فتنه اخیر همچنان که اولین فتنه در تهران نبود، آخرین فتنه هم نخواهد بود و ممکن است تا زمانی ادامه می‌یابد که ملت ایران با ثبات و استقامت و تسلسل کامل بر امور، باعث یأس دشمن شود که به این نقطه هم خواهیم رسید. ایشان با اشاره به حوادث و جنایات مشابه فتنه اخیر در تهران مانند ۳۰ خرداد سال۱۳۶۰ که منافقین با تیغ موکت‌بری به جان بسیجی‌ها افتادند، خاطرنشان کردند: در همه این حوادث، دست بیگانگان و به طور خاص دست آمریکا و رژیم صهیونیستی قابل مشاهده است. رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه در فتنه اخیر و حوادث سال‌های گذشته، دستگاه‌های انتظامی، بسیج، سپاه و دیگر بخش‌ها کاملا به مسئولیت خود عمل کردند، افزودند: اما آنچه مانند سال ۸۸، آتش فتنه را خاموش و

شعله‌ها را خاکستر کرد، واردشدن مردم به میدان بود و پس از این هم اگر حادثه‌ای برای کشور به وجود بیاید، خدای متعال این مردم را برای مقابله با آن معیوت خواهد کرد و مردم کار را تمام می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح خصوصیات فتنه آمریکایی اخیر، اولین ویژگی آن را پنهان‌شدن اغتشاشگران پشت اعتراضات بازاری‌ها دانستند و گفتند: فتنه‌گران مانند جانیکارانی که در حمله به شهرها، زنان و کودکان را سیر خود می‌کنند، پشت بازاری‌ها که حرف منطقی و درستی داشتند و به خیابان آمده بودند، پنهان شدند تا شناخته نشوند. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته بازاری‌های باهوش با مشاهده اقدامات اغتشاشگران مانند حمله به کلانتری‌ها به جای حرکت آرام در خیابان، خود را از آنها جدا کردند و فتنه‌گران را تنها گذاشتند. ایشان دومین خصوصیت فتنه اخیر را شبه‌کودتایی بودن آن خواندند و گفتند: اینن فتنه همچنان که برخی در دنیا هم به آن اشاره کردند، شبیه کودتا بود. البته سرکوب شد اما تخریب مراکز حساس و مؤثر در اداره کشور از طریق حمله به پلیس، مراکز سپاه، بعضی از مراکز دولتی و بانک‌ها و حمله به عناصر معنوی مانند مساجد و قرآن، نشان‌دهنده این واقعیت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طراحی فتنه در خارج از کشور و راهنمایی سردسته‌های داخلی آن با استفاده از امکانات مختلف مانند اطلاعات ماهواره‌ای را خصوصیت دیگر اغتشاشات دی‌ماه برشمردن و خاطرنشان کردند: براساس اطلاع رسیده، یک عنصر آمریکایی مؤثر در حکومت، به طرف ایرانی خود گفته است سازمان‌های جاسوسی سیا و موساد همه امکانات خود را در این قضیه به صحنه آوردند. ایشان موظف‌بودن سردسته‌های آموزش‌دیده به کشته‌سازی را خصوصیت دیگر اغتشاشات خواندند و افزودند: براساس این دستور کار، به مراکز نظامی و انتظامی با سلاح‌های شخصی پیشرفته حمله کردند تا با عکس‌العمل ماموران، عده‌ای کشته شوند؛ البته برای کشته‌سازی بیشتر، حتی به پیاده‌نظام خود که با تبلیغات به میدان آورده بودند، رحم نکردند و آنها را نیز هدف گرفته‌اند.

رهبر انقلاب با اظهار تأسف از موفق‌شدن سردسته‌های اغتشاشات در بالابردن تعداد جان‌باختگان، گفتند: دل انسان برای این جوانان غافل و بی‌توجه می‌سوزد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تلاش دشمن برای ده برابر نشان‌دادن تعداد کشته‌ها، گفتند: آنها می‌خواستند تعداد کشته‌ها بیش از این باشد؛ البته همین مقدار تلفات هم خیلی مایه تأسف است. ایشان هدف اصلی دشمن را برهم‌زدن امنیت کشور خواندند و افزودند: وقتی امنیت نباشد، هیچ چیز نیست. نه نان، نه تولید، نه کسب‌وکار، نه درس و بحث و تحقیقات، و نه علم و پیشرفت؛ بنابراین کسانی که امنیت کشور را حفظ کردند، حق حیات به کردن همه مردم

**پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری**: در اولین روز دهم مبارک فجر، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم، ۱۲ بهمن را روزی استثنائی و تاریخ‌ساز خواندند و با اشاره به تبدیل حکومت «فردی، استبدادی، ضد دینی و وابسته» پهلوی به حکومت «مردمی، مبتنی بر دین و ایستاده در مقابل زورگویی مستکبران»، گفتند: مردم آتش فتنه آمریکایی-صهیونی اخیر را مانند همه توطئه‌های قبلی به خاکستر نشاندند و در آینده هم، ملت با هدایت پروردگار در مقابله با هر حادثه‌ای، کار را تمام خواهد کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین تلاش آمریکا برای بلعیدن ایران و ایستادگی ملت رشید در مقابل این طمع‌ورزی را علت اصلی تقابل ۴۷‌ساله ایران و آمریکا برشمردند و با اشاره به حرف‌های اخیر آمریکایی‌ها، افزودند: آنها قیلا هم برای ترساندن ملت ایران، می‌گفتند «همه‌گزینه‌ها روی میز است» و البته بداندن که اگر این بار جنگی راه بیندازند، «جنگی منطقه‌ای» خواهد شد. ایشان در آغاز سخنان‌شان با اشاره به استقبال یکپارچه و بی‌نظیر مردم از امام خمینی (ره) در ۱۲ بهمن ۵۷، گفتند: امام در میان همه تهدیدات، با جرئت و قدرت وارد تهران شد و استقبال عظیم و عجیب مردم را به عاملی برای تشکیل نظامی نو تبدیل و همان روز ورود اسقاط حکومت پادشاهی را اعلام کرد. رهبر انقلاب تبدیل حکومت فردی و استبدادی به حکومتی که مردم همه‌کاره آن هستند و تبدیل فرایند ضد دینی مورد نظر پهلوی به فرایندی اسلامی را دو خصوصیت نظام برخاسته از مجاهدت‌های امام و ملت برشمردند و افزودند: اگر همه مسئولان به وظایف خود عمل می‌کردند، حکومت واقعا دینی شده بود اما در مجموع در فرایند دینی و اسلامی پیشرفت کرده‌ایم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگرداندن کشور به صاحبانش -یعنی ملت- و قطع دست و نفوذ آمریکا از ایران را خصوصیت دیگر نظام جمهوری اسلامی دانستند و گفتند: این خصوصیت، آمریکا را ناراحت و دستپاچه کرد و از همان روز به دشمنی با ملت و نظام کشاند. ایشان در تبیین ابعاد مردمی‌بودن حکومت به ایجاد روحیه خودباوری در ملت اشاره کردند و گفتند: امام حکیم، ملت را به توانایی‌های بزرگ و ارزش‌های خود، آگاه و روحیه «نمی‌توانیم» را به باور بسیار مهم «ما می‌توانیم» تبدیل کرد. رهبر انقلاب نتیجه سیاست‌ها، خودباختگی و وابستگی قاجار و پهلوی را تبدیل ملتی «بزرگ و دارای سوابق تمدنی و فرهنگی درخشان» به مردمی «تحقیرشده و عقب‌افتاده» خواندند و گفتند: در آن دوران، در «علم و فناوری، سیاست، سبک زندگی، اعتبار بین‌المللی، معادلات منطقه‌ای» و در همه زمینه‌های دیگر، عقب‌افتاده شده بودیم اما امام خمینی، روح «اعتمادبه‌نفس» را در ملت دمید و مسیر را ۱۸۰ درجه عوض کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری پیشرفت‌های کشور در

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**: از پنجشنبه هفته گذشته، زمانی که روزنامه

«حریت» ترکیه از ابتکار جدید آنکارا برای مدیریت بحران ایران و آمریکا خبر داد و سپس با سفر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، به ترکیه در روز جمعه، نشانه‌هایی از تحرک تازه دیپلماتیک آشکار شد که به نظر می‌رسد وزن گفت‌وگو و مذاکره اندکی افزایش یافته است. هرچند گزینه جنگ همچنان با سایه‌ای سنگین و نفوقی نگران‌کننده بر فضای منطقه‌ای و بین‌المللی حضور دارد و از روی میز کنار رفته، اما مجموعه‌ای از سیگنال‌های سیاسی و دیپلماتیک، امیدها به مهار تنش را افزایش داده است. تحرک هم‌زمان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان می‌دهد که شاید دیپلماسی، هرچند شکننده و محدود، بار دیگر مجالی برای نفس‌کشیدن یافته باشد.

گفتنی است همان ابتکاری که پیش‌تر در گزارش «شرق» به آن اشاره شده بود، اکنون به تدریج از سطح گمانه‌زنی رسانه‌ای به سطح گفت‌وگوهای عملی منتقل شده است. جوهره این ابتکار بر یک اصل کلیدی استوار است که ناظر بر کنارگذاشتن رویکرد تحمیلی و هم‌زمان چهار پیش‌شرط آمریکا و حرکت به سوی تفکیک پرونده‌ها، با آغاز مذاکرات از موضوع هسته‌ای است. این دقیقا همان نقطه‌ای است که می‌تواند شکاف عمیق میان مطالبات حداکثری واشنگتن و خطوط قرمز تهران را تا حدی مدیریت‌پذیر کند.

در همین چارچوب، توییت علی لاریجانی، گزینه مذاکره را پررنگ‌تر از قبیل کرد. درحالی‌که اغلب رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خبر از عدم پذیرش خواسته‌های ترامپ از سوی ایران، شکست خط میانجیگری بین تهران-واشنگتن و احتمال آغاز جنگ می‌دادند، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «برخلاف فضاسازی جنگ رسانه‌ای تصنعی، شکلهایی رسا و شگارتی برای مذاکرات در حال پیشرفت است». این توییت، در کنار اظهارات عباس عراقچی در نشست خبری روز جمعه با همتای ترکیه‌ای خود، تصویری نسبتاً منسجم از وضعیت کنونی ارائه می‌دهد. عراقچی تصریح کرد که در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای دیدار با گفت‌وگوی مستقیم با مقامات آمریکایی وجود ندارد، اما هم‌زمان تأکید کرد که «ترکیه و برخی کشورهای دیگر در حال کار روی یک «چارچوب» برای مذاکرات احتمالی هستند».

تحلیل دنیس سیترونوویچ، عضو اندیشکده آمریکایی شورای آتلانتیک نیز این تصویر را تکمیل می‌کند. او با اشاره به توییت لاریجانی، نوشت: «کشورهای عرب خلیج فارس به همراه مصر و ترکیه به یک درک مشترک رسیده‌اند که آغاز یک کمپین نظامی، کنترل شدید تنش را بسیار دشوار و بازگرداندن آن به مسیر توافقی را حتی دشوارتر می‌کند. از این منظر، تلاش برای تدوین یک چارچوب توافق با نقشه راه، نه از سر‌خوش‌بینی، بلکه ناشی از درک هزینه‌های غیرقابل مهار جنگ است».

سیترونوویچ تأکید می‌کند با توجه به فقدان اعتماد میان طرف‌ها، دست‌یابی به یک توافق جامع در کوتاه‌مدت واقع‌بینانه نیست. از این‌رو، هدف فوری، توقف روند تصاعد تنش است؛ هدفی که احتمالا از مسیر یک توافق چارچوبی و تا متمرکز اولیه بر برنامه هسته‌ای دنبال می‌شود. در این چارچوب، حتی احتمالاً تحویل بخشی از مواد غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد، در حد ۴۰۰ کیلوگرم، به‌عنوان یک کام اعتمادساز مطرح شده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد گفت‌وگوها، هرچند غیررسمی و غیرمستقیم، وارد جزئیات شده‌اند.

**هم‌زمانی تهدید و مذاکره: واشنگتن میان ناوهای جنگی و میز گفت‌وگو**

در سویی دیگر معادله، اظهارات دونالد ترامپ بار دیگر دوگانگی راهبرد آمریکا را برجسته کرده است. رئیس‌جمهور ایالات متحده ادعا کرده که ایران «به‌طور جدی» در حال گفت‌وگو با واشنگتن است و ابراز امیدواری کرده که این مذاکرات به توافقی «قابل قبول» منجر شود. ولی او در عین حال، با اشاره به حرکت «کشتی‌های بزرگ و قدرتمند» به سمت ایران، بار دیگر بر تداوم گزینه نظامی تأکید کرده است. این هم‌زمانی زبان دیپلماسی و زبان تهدید، به‌خوبی نشان می‌دهد که واشنگتن همچنان استراتژی فشار و مذاکره را به‌صورت توأمان دنبال می‌کند. ترامپ به صراحت گفته است اگر بتوان به توافقی دست یافت که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود، باید به آن رسید؛ اما در عین حال اذعان کرده که نمی‌داند آیا مذاکرات به توافق خواهد انجامید یا خیر. این اظهارات، در کنار تحکرات نظامی، بیشتر از آنکه نشانه تصمیم نهایی باشد، بازتاب‌دهنده تلاش برای افزایش اهرم فشار در آستانه هرگونه گفت‌وگوی احتمالی است.

در همین راستا، نورالدین الدغیر، مدیر دفتر الجزیره در تهران، ارزیابی کرده که لحن دیپلماتیک در موضوع ایران ممکن است در حال غلبه بر لحن نظامی باشد. این ارزیابی بر پایه مجموعه‌ای از تحکرات دیپلماتیک اخیر است؛ از یک سو سفر علی لاریجانی به مسکو و در سوی دیگر سفر عباس عراقچی به ترکیه و نیز سفر شبنه‌شب شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، به تهران. این رفت‌وآمدهای فشرده در سطح عالی، به گفته الدغیر، نشان می‌دهد یک خط ارتباطی هرچند غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن فعال شده است. به گفته او، گفت‌وگوها اکنون بر مس «شکل» مذاکرات جریان دارد؛ اینکه آیا مرحله مذاکرات غیرمستقیم پشت سر گذاشته می‌شود و دو طرف به مذاکرات مستقیم می‌رسند یا خیر. الدغیر تصریح می‌کند که این ایده، یک پیشنهاد ترکیه‌ای بوده و حتی احتمال تشکیل میز مذاکرات سه‌جانبه میان تهران، واشنگتن و آنکارا مطرح شده است. نکته مهم دیگر در تحلیل او، تفکیک پرونده‌هاست؛ تحولی که ظاهرا در لحظات پایانی رخ داده و منجر شده آغاز مذاکرات به پرونده هسته‌ای محدود شود. نه مجموعه‌ای از موضوعات اختلافی.

**اسرائیل، عدم قطعیت تصمیم ترامپ و معادله باز جنگ و توافق**
در کنار این تحکرات، مواضع تل‌آویو و اظهارات مقامات آمریکایی مستقر در اسرائیل، لایه دیگری از پیچیدگی را به معادله افزوده است. کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی به نقل از مایک هاکی، سفیر آمریکا در



از هر چیز به مهار منطق تصاعد بحران و ترجیح گفت‌وگو بر اعمال فشار وابسته است.

در شرایط کنونی، آنچه بیش از هر چیز در دسترس و قابل اتکا به نظر می‌رسد، نه قطعیت تصمیم‌ها و نه تضمین نتایج، بلکه «امید» است؛ امید به آینده‌ای کم‌هزینه‌تر، امید به بازگشت عقلانیت به مدار تصمیم‌سازی و امید به آنکه مسیر مذاکره و دیپلماسی، هرچند شکننده و پرسلطاک، همچنان گشوده بماند. این امیدواری، نه از سر ساده‌انگاری است و نه به معنای چشم‌پوشی از واقعیت‌های سخت، تهدیدهای عینی و معادلات نگران‌کننده‌ای که فضای سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک این روزها را احاطه کرده‌اند؛ برعکس، امید دقیقا در دل همین آگاهی شکل می‌گیرد؛ آگاهی از هزینه‌های جنگ بر ایران، از شکنندگی ثبات منطقه و از پیامدهای برگشت‌ناپذیر تصمیم‌های متعادل‌شده. امید در این معنا، نه جایگزین «تحلیل» است و نه پوشش برای انکار «خطر»، بلکه آخرین سرمایه سیاست‌ورزی عقلانی در وضعیتی است که گزینه‌های مطلوب محدود و گزینه‌های پرهزینه فراوان هستند. تا زمانی که دیپلماسی به‌طور کامل از میدان خارج نشده، امید همچنان تنها نقطه اتکای آینده باقی می‌ماند.

**صباح زنگنه: ایران و آمریکا به صورت بالقوه آمادگی ورود به «جنگ» یا «مذاکره» را دارند**

تحکرات دیپلماتیک روزهای اخیر، از سفر عباس عراقچی به ترکیه تا حضور وزیر خارجه قطر در تهران، نشانه‌ای معنادار از تغییر لحن و جابه‌جایی وزن گفت‌فتمان در فضای پرتنش منطقه است. فضایی که تا همین چندین پیش،

سایه گزینه نظامی بر آن سنگینی می‌کرد. با این حال، به تعبیر صباح زنگنه، «این تغییر لحن نه از سر‌خوش‌بینی ساده‌انگارانه، بلکه حاصل درکی عمیق‌تر از واقعیت‌های میدانی و هزینه‌های محاسبه‌ناپذیر هرگونه درگیری نظامی است». تحلیلگر مسائل جهان عرب اعتقاد دارد که «کشورهای عربی همسایه بیش از گذشته به این واقعیت واقف شده‌اند که هر اقدام جنگ‌طلبانه‌ای، الزاما بدون پاسخ نخواهد ماند و پاسخ‌ها نیز قابل کنترل و مهار نیستند». به گفته این تحلیلگر ارشد حوزه خاورمیانه، «درگیری نظامی نه‌تنها حلوا پخش نمی‌کند، بلکه می‌تواند به زنجیره‌ای از بحران‌های امنیتی و اقتصادی منجر شود که دامنه آن فراتر از مرزهای یک کشور خواهد رفت»، بنابراین منطقه غرب آسیا، به باور او، «در وضعیتی شبیه به بشکه باروت قرار دارد؛ جایی که جرقه‌ای کوچک می‌تواند انفجاری فراگیر رقم بزند و همه بازیگران، بدون استثنا، از تبعات آن متضرر شوند». در این چارچوب و با اشاره به اخبار جدید درباره تقویت گزینه «مذاکره»، زنگنه تأکید می‌کند «ایران از ابتدا و همواره بر گفت‌وگو، راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و پرهیز از خشونت تأکید داشته است». از نگاه او، «این کسی که

**امیرعلی ابوالفتح: «رئیس‌جمهور آمریکا گاه با لحنی تهدیدآمیز از حمله نظامی سخن می‌گوید و گاه از توافقی بزرگ و قریب‌الوقوع حرف می‌زند؛ یک روز مدعی است ایران باید مسالمت‌آمیز و در چارچوب توافق با آمریکا وارد جنگ می‌شود و روز دیگر می‌گوید ایرانی‌ها به طور جدی به دنبال مذاکره‌اند».**

دارند. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: آنها می‌خواستند مردم را در مقابل نظام قرار دهند اما مردم با حضور میلیونی خود در ۲۲ دی به دهان بدخواهان زدند و حقیقت ملت ایران را نشان دادند. ایشان با تأکید بر اینکه مسئولان واقعا باید قدر این مردم را بدانند، گفتند: البته این فتنه به صورت تصادفی با حساب‌شده در وقتی انجام شد که دولت مسئولان در حال طراحی بسته و نقشه اقتصادی کشور برای پیشبرد بهتر وضع هستند. آخرین خصوصیت مورد اشاره رهبر انقلاب از فتنه اخیر، خشونت داعش‌وار آن بود. ایشان با اشاره به ادعان رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در انتخابات دوره اول خود درباره دست‌داشتن دولت آمریکا در ایجاد داعش، گفتند: در فتنه اخیر هم آمریکایی‌ها، داعشی را که کارهایش شبیه همان داعش است، ایجاد کردند. داعش با خشونت افراد را با تهمت بی‌دینی سر به نیست می‌کرد و اینها هم افراد را با همان خشونت اما به خاطر دینداری نابود می‌کردند و با ساوت و بی‌رحمی عجیب، افرادی را زنده‌زنده، آتش زدند و سرهایی را بریدند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنان‌شان درباره علت دشمنی چهل‌وچند ساله آمریکا و ایران، گفتند: مسئله در دو کلمه خلاصه می‌شود: آمریکا می‌خواهد ایران را ببلعد اما ملت ایران و جمهوری اسلامی، مانع هستند و در حقیقت جرم ملت ایران این است که به آمریکا گفته غلط می‌کنی که بخواهی کشور من را بلعی. ایشان جاذبه‌های متعدد ایران مانند نفت، گاز، معادن غنی و موقعیت راهبردی و جغرافیایی را باعث طمع‌ورزی قدرتی متجاوز و زیاده‌طلب مانند آمریکا دانستند و خاطرنشان کردند: آنها در پی تصرف ایران و بازگرداندن تسلط خود بر منابع، نفت، سیاست، امنیت و ارتباطات بین‌المللی ایران مانند دوره پهلوی هستند. علت اصلی دشمنی آنها این است و بقیه حرف‌های آنها مثل حقوق بشر حرف مفت است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: ملت ایران در مقابل طماع آمریکا محکم سینه سپر کرده، ایستاده و خواهد ایستاد و آنها را از مودی‌گری و اذیت‌کردن مأیوس خواهد کرد. ایشان با اشاره به تهدیدهای انقلاب اسلامی تأکید کردند: البته این را هم آمریکایی‌ها بلداند که اگر این دفعه جنگی راه بیندازند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود.

طرح هم‌زمان چهار شرط حداکثری آمریکاست؛» موضوعی که به گفته زنگنه، «بازتاب‌دهنده حرکت تدریجی به سمت شکل‌دهی یک چارچوب مذاکراتی واقع‌بینانه‌تر است». تحلیلگر حوزه عربی بر این باور است که «شرایط کنونی آمریکا نیز شرایط مناسبی برای ورود به جنگ نیست؛ چراکه تشدید تنش می‌تواند موجب بسیج سیاسی و حتی اقتصادی بسیاری از کشورها علیه واشنگتن شود و هزینه‌های بین‌المللی سنگینی برای آن به همراه داشته باشد». از این منظر، زنگنه راه‌حل را در «حرکت به سوی گفت‌وگوی عقلانی، با مطالبات تحقق‌پذیر و بدون افزایش توقعات غیرواقع‌بینانه» می‌داند. او تصریح می‌کند که «مذاکره تنها زمانی می‌تواند به نتیجه برسد که بر پایه احترام متقابل، اعتدال، تعادل و موازنه منافع شکل بگیرد». از دید زنگنه، «ایران به‌عنوان کشوری که در این منطقه زندگی می‌کند، و مطالبات و منافع مششروعی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و تصور کرد همه چیز صرفا با تحمیل خواسته‌های یک‌جانبه حل خواهد شد». درعین‌حال مفسر حوزه سیاست خارجی گزینه «جنگ» را به طور کامل منتفی نمی‌داند، اما آن را «وابسته به تحولات سیاسی و بسیاری از پارامترها» می‌خواند. چون از نگاه او، «هر دو طرف (ایران و آمریکا) به صورت بالقوه آمادگی ورود به جنگ یا حرکت به سمت صلح و توافق را دارند». با این حال، او تصریح می‌کند که «جنگ نه به سود ایران است و نه به نفع نظم اقتصادی جهانی»، به باور این مدرس حوزه بین‌الملل، «ثبات بازار جهانی نفت، آرامش اقتصاد بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای، همگی اجباب می‌کنند که مسیر گفت‌وگوی معقول، منطقی و اجرashدن در اولویت قرار گیرد».

**امیرعلی ابوالفتح: کماکان هر دو گزینه مذاکره و جنگ برای ترامپ فعال هستند**

امیرعلی ابوالفتح هم به‌عنوان دیگر کارشناس در گپ‌وگفتش با «شرق» و در پاسخ به این پرسش که آیا واقعا مسیر مذاکره میان ایران و آمریکا در حال گشوده‌شدن است یا آنکه گزینه جنگ همچنان با تمام وزن خود روی میز باقی مانده است؟ باور دارد که «نتیجه نهایی نه در سخنان متناقض دونالد ترامپ، بلکه در روند کلی رفتار دولت ایالات متحده است؛» روندی که از منظر او، «سراسر از نبود قطعیت است».

تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا به‌شدت بر پارامتر «تردید» در مسیر پیش‌رو مانور می‌دهد و با تأکید بر اینکه در مناسبات ایران و آمریکا همواره دو گزینه «جنگ» و «توافق» که به طور هم‌زمان وجود داشته، اذعان دارد «ترامپ این دوگانگی را به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید کرده است». از نگاه این مدرس دانشگاه، «رئیس‌جمهور آمریکا گاه با لحنی تهدیدآمیز از حمله نظامی سخن می‌گوید و گاه از توافقی بزرگ و قریب‌الوقوع حرف می‌زند؛ یک روز مدعی است ایران باید مهار شود و روز دیگر می‌گوید ایرانی‌ها به طور جدی به دنبال مذاکره‌اند». بنابراین این نوسانات کلامی، به تعبیر ابوالفتح، «بیش از آنکه راهنمای تحلیل باشد، خود منبع سردرگمی است».

با این حال، این کارشناس حوزه بین‌الملل معتقد است که «اگر از سطح گفتار ترامپ عبور کنیم و به سیر زمانی تحولات نگاه بیندازیم، نشانه‌هایی از کاهش احتمال اقدام نظامی آمریکا دیده می‌شود». به نظر ابوالفتح، «با عبور از وقایع تلخ و پرتنش روزهای چندم و نوزدهم دی در داخل ایران، هرچه فاصله زمانی بیشتری می‌شود، احتمال حمله نظامی کاهش و شانس رسیدن به نوعی توافق افزایش می‌یابد». البته این تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا با احتیاط تأکید می‌کند که «این به معنای منتفی‌شدن گزینه جنگ نیست؛ چراکه ترامپ سیاست‌مداری است که حتی در میانه بحران نیز می‌تواند تصمیم به آغاز درگیری بگیرد». ازاین‌رو، او معتقد است که «در شرایط فعلی نه می‌توان با قطعیت به وقوع و نه حتی با احتمال بالا درباره آینده سخن گفت».